

نزاع ارضی کورد و ترک آذربایجانی در استان آذربایجان غربی در ایران

ریبوار معروف زاده (احمد. ی. حمزه)*
مترجم: چیاکو روزه‌لالت

”

این مقاله به این مسأله می‌پردازد که فارسها نزاع ارضی موجود در بین کورد و ترک آذربایجانی در استان آذربایجان غربی را در راستای تفرقه و سرکوب این دو بزرگترین اقلیت بکار گرفته‌اند. نزاع ارضی در استان آذربایجان غربی در ایران یک وضعیت معضل امنیتی بین قومی دیرینه را در میان کوردها و ترکها بوجود آورده، که اساسا مانع از همکاری عقلانی این دو گروه در مقابله با ستم تاریخی فارسها شده است. معضل امنیتی بین دو گروه مذکور مرتبا به این ابهام دامن میزند که: آیا در صورت فروپاشی ایران کوردها و ترکها در استان آذربایجان غربی علیه یکدیگر خواهند جنگید یا اتحادی را تشکیل خواهند داد؟

“

چکیده

این مقاله به اختلافات ارضی بین کورد و ترک آذربایجانی در استان آذربایجان غربی در ایران میپردازد. تمرکز اصلی مقاله بر سه دوران تاریخی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ و همچنین بعد از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ است. دوره‌های مذکور به‌نوعی یک وضعیت معضل امنیت داخلی را در مناسبات ترک آذربایجانی و کورد در استان آذربایجان غربی بوجود آوردند که در آن فارسها بعنوان بزرگترین گروه قومی در ایران که قدرت را نیز به دست داشتند، از این منازعات برای تفرقه افکنی میان کردها و ترکها، و برای تدوام استعمار داخلی‌شان استفاده کردند. این مقاله از مفهوم معضل امنیت داخلی (Intrastate Security Dilemma) به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و مدرن برای ترسیم و توضیح اختلافات ارضی در استان آذربایجان غربی استفاده می‌کند. همچنین مقاله حاضر از تحلیلهای نظری تاریخ مدرن این اختلافات فراتر می‌رود و راهکارهایی را جهت حل آن ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

ترک آذربایجانی، کورد، استان آذربایجان غربی، نزاع ارضی، معضل امنیت داخلی

نزاع ارضی بین کورد و ترک آذربایجانی در استان آذربایجان غربی ایران

فارس، ترک آذربایجانی، کورد، بلوچ و عرب در ایران چند ملیتی زندگی می‌کنند. فارسها، که بزرگترین گروه قومی ایران هستند، نزدیک به ۵۰٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. در مقابل ترکها دومین گروه و کوردها سومین گروه بزرگ قومی، هر کدام به ترتیب حدود ۲۰ و ۱۰ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (congressional research service, 2008).

p.6:unrepresented nations and peoples

(organization, 2018). محققانی نیز وجود دارند که جمعیت فارسها را کمتر از ۵۰٪ تخمین می‌زنند. بعنوان مثال، برندا شافر در مقاله‌ای تحت عنوان «Iran is more than persia» می‌نویسد که: «ایران کشوری چند ملیتی است، فارسها کمتر از نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. بر خلاف مرکز که تحت تسلط فارسها است، اکثریت قریب به اتفاق اقلیتهای غیر فارس در استانهای مرزی ساکن هستند (2021, p.3). از ابتدای تأسیس دولت ملت مدرن ایران در دهه‌ی ۱۹۲۰، فارسها اقلیتهای غیر فارس را تحت شکلی از استعمار داخلی نگه داشته‌اند و به نوعی از تاکتیک تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده کرده‌اند. این مقاله به این مسأله می‌پردازد که فارسها نزاع ارضی موجود در بین کورد و ترک آذربایجانی در استان آذربایجان غربی را در راستای تفرقه و سرکوب این دو بزرگترین اقلیت بکار گرفته‌اند. نزاع ارضی در استان آذربایجان غربی در ایران یک وضعیت معضل امنیتی بین قومی دیرینه را در میان کوردها و ترکها بوجود آورده، که اساساً مانع از همکاری عقلانی این دو گروه در مقابله با ستم تاریخی فارسها شده است. معضل امنیتی بین دو گروه مذکور مرتباً به این ابهام دامن می‌زند که: آیا در صورت فروپاشی ایران کوردها و ترکها در استان آذربایجان غربی علیه یکدیگر خواهند جنگید یا اتحادی را تشکیل خواهند داد؟

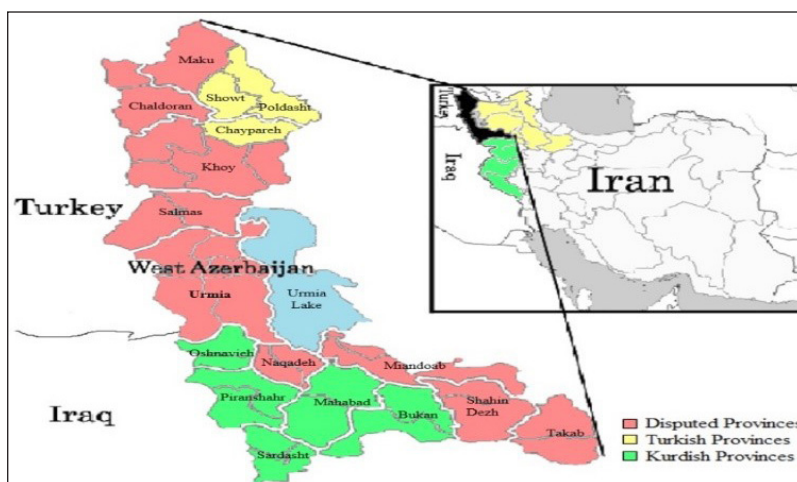
استان آذربایجان غربی: پراکندگی اتنیکي کورد و ترک آذربایجانی

استان آذربایجان غربی، در شمال غربی ایران واقع شده است و از جمعیت مختلط کورد و ترک تشکیل شده است. این استان با دولتهای آذربایجان، ترکیه و عراق هم مرز است. بر طبق آخرین سرشماری دولتی

که در سال ۲۰۱۶ برگزار شد، جمعیت این استان ۳،۲۶۵،۲۱۹ نفر می باشد (مرکز آمار ایران). این استان شامل ۱۷ شهرستان است و ارومیه، مرکز استان و پرجمعیت ترین شهرستان آن، حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۶). جمعیت پنج شهرستان مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر و اشنویه عمدتاً کورد هستند. این پنج شهرستان که تحت عنوان موکریان شناخته می شوند، در طول تاریخ مرکز ناسیونالیسم کوردی در ایران بوده اند. شهرستانهای پلدشت، شوط و چایپاره عمدتاً جمعیتشان ترک است. ۹ شهرستان دیگر شامل ارومیه، سلماس، خوی، چالدران، ماکو، نقده، میاندوآب، شاهین دژ و تکاب از جمعیت مختلط کورد و ترک تشکیل شده اند. نقشه زیر پراکندگی اتنیک ۱۷ شهرستان استان آذربایجان غربی را نشان می دهد. رنگ قرمز شهرستانهای مختلط / مورد نزاع، رنگ زرد شهرستانهای غالباً ترک آذری، و رنگ سبز شهرستانهای غالباً کورد را نشان می دهد.

حکومت مرکزی فارس یا هیچ طرف سومی، مانند سازمان ملل متحد، تا کنون آماری را در ارتباط با ترکیب اتنیک در این استان ارائه نداده اند. حکومت مرکزی فارس از ارائه هرگونه سرشماری بر اساس ویژگیهای اتنیک سر باز می زند، تا بدین صورت اقلیتهای غیر فارس از درصد واقعی جمعیتشان به کل جمعیت ایران آگاهی نداشته باشند. نویسندگی این مقاله، نقشه را بر مبنای تاریخ سیاسی معاصر کورد و ترک در این استان ترسیم کرده است. از دهه ۱۹۲۰ تا کنون، در شهرستانهای سبز و زرد تجربه ای هیچ گونه نزاع قومی بین کورد و ترک آذری مشاهده نشده است ولی در شهرستانهای قرمز شاهد چنین نزاع هایی بوده ایم. در دهه های اخیر، به جهت اینکه هر کدام از دو گروه کورد و ترک علاوه بر سکونت در استانهای ایران در کشورهای همسایه ایران نیز ساکن اند، حس همگرایی در بین آنها رشد کرده است. ترکها ادعای مالکیت بر چندین استان ایران مانند استانهای آذربایجان غربی،

شکل ۱. نقشه ترکیب اتنیک کورد و ترک در استان آذربایجان غربی



یادداشت: نگارنده شهرستان / شهری را در این استان مورد نزاعه بین ترک و کورد قلمداد می کند اگر از دهه ۱۹۲۰، مصادف با شکل گیری دولت -ملت فارس در ایران، بین دو گروه مذکور شواهد نزاعهای ارضی بوده است.

اردبیل، زنجان و قزوین را دارند. ترکها در ایران ترکهای در جمهوری آذربایجان کنونی را پسرعموی درجه اول و ترکهای ترکیه را پسر عموی درجه دوم خود تلقی می کنند. به طور مشابه، کورها ادعای مالکیت بر چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام را مطرح می کنند. همچنین، کوردها در ایران با کوردها در دولتهای همسایه ایران، شامل عراق، ترکیه و سوریه همگرایی و همدلی نشان میدهند.

به لحاظ دینی، ترکها در ایران غالباً شیعه هستند ولی کوردها اکثراً سنی هستند. در استان آذربایجان غربی، ترکها شیعه هستند ولی کوردها پیرو اهل سنت هستند. به لحاظ دینی، تشیع، ترکها و فارسها را به هم گره می زند.

اختلافات اتنیکی: دلایل و راه حلها

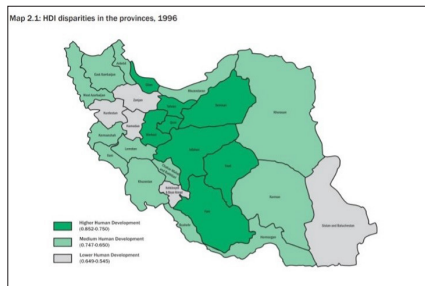
مسئله اتنیسیته بر یک هویت گروهی دلالت دارد که در آن اعضای گروه، از یک احساس تعلق و تاریخ مشترک برخوردارند. نظریه های پرایموردالیست ناسیونالیسم بر این باورند که ویژگی بنیادی یک گروه اتنیکی از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می کند و بدین سبب تغییر دادن این خصوصیات بسیار دشوار است. در تحلیل نزاعهای اتنیکی، تئوریهای پرایموردالیست بر خصوصتهای عمیق و کهنه بین گروههای مختلف تأکید می کنند. اما تئوریهای ساختارگرا (کانستراکتیویزم) معتقداند که گروههای اتنیکی بجای یک تاریخ مداوم روابط دوستانه یا خصمانه، دوره های متناوب نزاع و آشتی را تجربه کرده اند. رویکرد ساختارگرایانه بر اهمیت تفاوتها و شباهتهای گروهها، همچون زبان و دین، تأکید می کند، اما معتقد است که این خصوصیات مشترک توسط جنبشهای ملی گرایانه ی مدرن ساخته شده و تغییر یافته اند. ارنست گلنر (1983: 62-53 p) در کتاب خود تحت عنوان ملتها و ناسیونالیسم nations and

nationalism تأکید می کند که ملی گرایی برخی از عناصر فرهنگی از پیش موجود را بر می گزیند و اغلب این عناصر را به شکل بنیادین تغییر می دهد. به بیان دیگر، گلنر معتقد است این ایدئولوژی ملی گرایی است که گروههای اتنیکی / ملی و دولت-ملتها را بوجود می آورند و نه بالعکس. رویکرد پرایموردالیسم از بازشناسی نقش ملی گرایی در ایجاد نزاعهای اتنیکی / ملی و تبیین این امر که چرا برخی از گروههای قومی مشکلات خود را حل و فصل نمودند اما برخی دیگر به خشونت متوسل شدند، ناتوان می ماند.

هویت اتنیکی تقریباً همیشه بیانگر یک هویت سیاسی است. هویت اتنیکی تنها نمایانگر برخی خصوصیات مشترک گروهی نیست بلکه شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک گروه در مقایسه با گروههای پیرامونی دیگر را ترسیم می کند. همچنان که میشل هختر (۱۹۹۹) در اثر خود تحت عنوان internal colonialism بیان می دارد، اتنیسیته صرفاً ارزیابی ساده ی آماری گروه اکثریت و اقلیت نیست بلکه ابزار موجودیت سیاسی یک گروه تحت تبعیض سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. غالباً گروههای اکثریت در مرکز نظام سیاسی و اقتصادی در یک کشور قرار می گیرند ولی گروههای اقلیت در پیرامون و دارای پایگاه سیاسی و اقتصادی نازلتری هستند. همه ی اقلیتهای قومی در ایران، از جمله کورد و ترک ها، در مقایسه با فارس ها پایگاه اجتماعی-اقتصادی بسیار پایینتری دارند. نقشه ی ۲، که توسط سازمان ملل متحد (1991: 19 p) منتشر شده است، ناهمگونی شاخص توسعه انسانی (HDI) ایران در سال ۱۹۹۶ را نشان می دهد؛ تمامی استانهای سبز پررنگ با شاخص بالای توسعه ی انسانی در میانه نقشه، استانهای فارس نشین را نشان می دهند. بدین ترتیب، از آنجا که فارسها از

شرایط زندگی بهتری نسبت به غیر فارسیها که عمدتا در پیرامون کشور زندگی می کنند برخوردارند، منطق مرکز در مقابل پیرامون در مورد ایران قابل اعمال است.

شکل ۲. ناهمگونی شاخص توسعه انسانی در استانهای ایران در سال ۱۹۹۶.



سولود و. ایساژیو (1992, p.12)، در اثر خود definition and dimensions of ethnicity: a theoretical framework بر این نکته تاکید می کند که بدلیل اینکه گروه اکثریت خود را به هیچ گونه خاستگاه اتنیکی پیوند نمیدهد غالباً مفهوم اتنیسیته مترادف با مفهوم اقلیت در نظر گرفته می شود. در ایران، فارسیها که گروه اکثریت می باشند، فاقد هویت اتنیکی بوده در حالی گروههای اقلیت دیگر، مانند ترک ها، کوردها عرب ها بر هویت اتنیکی خود تاکید می کنند. بیشتر سیاستمداران و حتی محققان، در داخل و خارج از ایران، اصطلاحهای ایرانی و فارس را بجای یکدیگر به کار میبرند (shafer, 2000, p.449). فعالان اپوزسیون فارس ایرانی بر هویت اتنیکی خود تاکید نمی گذارند زیرا دولت ایرانی، هرچند غیردمکراتیک هم باشد، بازتابندهی یک دولت عمدتاً فارس است بنابراین فارسیها بدنبال عدالت اجتماعی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی بر مبنای هویت اتنیکی نیستند. نزاعهای اتنیکی به دلایل متفاوتی رخ میدهد. دیوید لیک بر این باور است که

ترس جمعی از آینده رایج ترین دلیل برای شروع نزاعهای قومی است؛ هراس جمعی از آینده می تواند به سبب وضعیت معضل امنیتی، خلل در اطلاع رسانی و یا فرصت طلبی سیاسی رخ دهد (Brown, 1997, p.97-131). بعنوان مثال، و. پ. گانگن ژونیور، توضیح میدهد که نزاعهای قومی در یوگسلاوی سابق به سبب رقابت قدرت میان رهبران صرب و نه به جهت خصومت شدید تاریخی در بین صربها و گروههای دیگر رخ داد. گانگن معتقد است که حزب کمونیست صرب حاکم در مقابل احزاب دیگر اصلاح طلب صرب تضعیف شده بود و در نهایت این حزب به منظور تحکیم پایگاه مردمی خود در میان صربها تهدید سایر گروههای غیرصرب را بزرگنمایی کرد (Brown, 1997, p.142-145).

مفهوم معضل امنیتی در آغاز توسط محققان روابط بین الملل و جهت تحلیل جنگ بین دولتها بکار گرفته شد، اما با افزایش جنگهای داخلی که بیشترشان جنگهای اتنیکی بودند، پژوهشگران نزاعهای اتنیکی این مفهوم را مجدداً بازتعریف نمودند. از سال ۱۹۴۵ به بعد، جنگهای داخلی بیشتری نسبت به جنگ بین دولتها رخ داده اند، به شکلی که جنگهای اتنیکی بیش از نصف جنگهای داخلی را تشکیل می دهند (Tang, 2015, p.256). پژوهشگران روابط بین الملل مفهوم معضل امنیتی را جهت تبیین رقابت قدرت و جنگ بین دولتها بکار می گیرند. همان طور که نظریه پردازان پرایموردیالیست و ساختارگرایان بر سر مفهوم اتنیسیته اختلاف نظر دارند، نئو-رئالیستهای حوزهی روابط بین الملل نیز نسبت به ساختارگرایان تعریف متفاوتی از معضل امنیتی ارائه می دهند. جان هرترز، متفکر نو-رئالیست روابط بین الملل، معضل امنیتی را همچون سیستمی تعریف می کند که در آن

دولتها «فارغ از هر گونه اقتدار بالاتری عمل می کنند که بتواند استانداردهای رفتاری را بر آنها تحمیل نماید و آنها را از حمله به یکدیگر باز دارد» (Williams and Goldstein, 2006, p.268). به بیان دیگر، ساختار آنارشیک سیاست بین الملل سبب می شود که دولتها در یک وضعیت معضل امنیتی مداوم زندگی کنند. به زعم یک نئو-رئالیست دولتها در یک وضعیت معضل امنیتی به دنیا می آیند و این همسان است با چشم انداز نظریه پردازان پرایموردیالیست که معتقدند هویت و نزاع اتنیکی بیش از اینکه بر ساخت و متغیری اجتماعی رشد و تغییر کند، با ما متولد شده و ماندگار میشود.

الکساندر وندت، تئوریسین برجسته‌ی ساختارگرا در حوزه‌ی روابط بین الملل، در مقاله ای تحت عنوان «What states make of it با ادعای اینکه «رفتار دولتها در مقابل دشمنان و دوستانشان متفاوت است، چون دشمنان تهدید می کنند اما دوستان چنین نمی کنند» خوانش نئو-رئالیستی از معضل امنیتی را زیر سوال می برد (Williams and Goldstein, 2006, p.365). بطور مختصر، ساختارگرایان در حوزه‌ی نزاعهای اتنیکی، مسئله خصومت‌های کهنه به عنوان منشأ نزاعهای قومی را، با این پرسش که چرا برخی گروههای اتنیکی توانستند نزاعهای خود را حل کنند ولی برخی گروهها دیگر نتوانستند، رد می کنند. برای تئوریسینهای ساختارگرای حوزه‌ی روابط بین الملل، تعاملات دولتها می تواند وضعیت معضل امنیتی را بوجود آورد یا بر آن اثر گذارد. بعنوان نمونه، آلمان و فرانسه، بعد از آنکه در جریان جنگ جهانی دوم با هم جنگیدند، اتحادیه‌ی اروپا را تشکیل داده و روابط دوستانه برقرار کردند ولی در سوی دیگر سوریه و اسرائیل در نزاع باقی ماندند.

پول رو (1999, p.188)، در مقاله‌ای

تحت عنوان «The intrastate security dilemma: ethnic conflict as a tragedy» به بازتعریف مفهوم معضل امنیتی جهت کاربرد آن در مورد نزاع اتنیکی در درون یک دولت، میپردازد. او وضعیت معضل امنیتی را شرایطی تعریف می کند که در آن فقدان یک حکومت مرکزی مؤثر گروههای اتنیکی درون یک دولت را وادار می کند که هر کدام خودشان برای تأمین امنیتشان اقدام نمایند. گروههای اتنیکی در درون یک دولت ممکن است با همدیگر درگیر یک وضعیت معضل امنیتی اجتماعی مداوم باشند اما به محض سقوط حکومت مرکزی آنها با هراس از واکنش سایر گروههای اتنیکی و مسئله‌ی بقای گروهشان مواجه می شوند. رو (1999, p.189) توضیح می دهد که سقوط حکومت مرکزی در یک کشور چندملیتی لزوماً به جنگ قومی نمی انجامد؛ هنگامی که حکومت مرکزی سقوط می کند، یک گروه اتنیکی براساس اینکه گروههای دیگر در شرایط مشابه پیشین چگونه رفتار کرده‌اند، قضاوت می کند. به بیان دیگر، همانطور که وندت در مورد تعامل دولتها مطرح می کند، گروههای اتنیکی درون یک دولت نیز با پیشینه‌ای از تعاملات گذشته‌شان و با اختیار تغییر چنین گذشته‌ای وارد یک وضعیت معضل امنیتی می شوند.

هنگامی که حکومت مرکزی ساقط می شود، گروههای اتنیکی در درون این دولت به ناچار به ارزیابی روابط بین گروههای اتنیکی در کوتاه مدت و بلندمدت می پردازند؛ عوامل بسیاری، مانند موقعیت این گروهها در دولت پیشین، روابط تاریخی این گروهها با یکدیگر، و میزان سازماندهی سیاسی و نظامی آنها می تواند بر این ارزیابی تأثیرگذار باشد. بنابراین، گروههای اتنیکی که بعد از فروپاشی دولت مرکزی مستقل گردیده‌اند با ترس و عدم اطمینان مداوم از ظرفیت و نیت

گروههای اتنیکی مجاور دست و پنجه نرم می کنند (Posen, 1993, p.29-34). این وضعیت معضل امنیتی درون اتنیکی است و در صورتی که این گروهها دولتهای خود را تأسیس کنند، این وضعیت به معضل امنیتی بین دولتی تبدیل خواهد گشت.

هم راستا با رویکرد ساختارگرا به نزاعهای اتنیکی، این مقاله در درجه نخست گذشته - تاریخ مدرن اختلافات - را بررسی و سپس راهکارهایی را جهت حل آنها پیشنهاد می کند. مقاله حاضر بر دورههایی انگشت می گذارد که در آن حکومت مرکزی فارس تضعیف یا ساقط گردیده است زیرا در این برهه‌های تاریخی است که توان کورد و ترک آذربایجانی برجسته شده است.

روابط کورد - ترک در دوره پیشامدرن ایران

در بیشتر دوره پیش مدرن، کوردها همچون یک اقلیت فاقد امپراتوری در ایران زیسته‌اند، درحالی‌که ترکها در امپراتوریهای متفاوت ایران مشارکت داشته‌اند. حاکمان هر دو امپراتوری صفوی و قاجار ترک بودند. شاه اسماعیل، بنیانگذار امپراتوری صفوی در سال ۱۵۰۱ ترک بود و تبریز را پایتخت امپراتوریش قرار داد. امروزه نیز تبریز جایگاه پایتخت برای ترکها در ایران را دارد. در دوره‌ی قاجار (۱۷۷۹-۱۹۲۴)، ایران از چهار ایالت (استان) تشکیل می شد، که شامل آذربایجان، خراسان، فارس و کرمان -سیستان می شد؛ هر یک از این ایالتها ولایتهای (حوزه‌ها) متفاوتی داشتند؛ تبریز در دوره‌ی قاجار توسعه پیدا کرد و به محل دارالسلطنه و دربار ولیعهد تبدیل گشت (Atabaki, 2005, p.26).

پیش از قرن بیستم، تفاوت‌های گروهی، مانند داشتن زبان یا دین متفاوت، نقش بسیار اندکی در جنگهای کورد و ترک داشتند.

در برخی موارد، ازدواج خانوادگی در بین نخبگان، فارغ از هویت متمایز اتنیکیشان، آنها را به متحدان نزدیک همدیگر تبدیل می ساخت. برای نمونه، یکی از خواهران خان احمد خان، حاکم امارت کوردی اردلان، با شاه عباس صفوی (۱۵۷۱-۱۶۲۹) ازدواج کرد، خان احمد خان به متحد نزدیک شاه عباس تبدیل شد و از این دوستی برای سرکوب عشایر کورد مجاور، یعنی عشایر بلباس و موکری، سود جست (McDowall, 2007, p.32).

تعاملات دوره پیشا مدرن کورد و ترک بیش از آنکه نتیجه‌ی جنگ یا صلح بر مبنای سازماندهی گروهی باشد تابع تصمیم‌گیری رؤسای عشایر کورد و ترک در راستای تقویت قدرت شخصی‌شان بود. با این وجود، تاریخ پیشا مدرن کورد و ترک در ایران به برخی از ویژگیهای بنیادی دو گروه شکل داده که بر روابط دوره‌ی معاصر آنها نیز موثر است. ترکها از آنجایی که بر ایران حکم میرانده یا در امپراتوریهای حاکم بر ایران شریک بودند، به طور میانگین از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردار بودند. در مقابل، کوردها در بیشتر تاریخ پیشا مدرن ایران تحت حکومت امپراتوریهای غیر کورد بوده‌اند و بنابراین از روحیه مبارزاتی بیشتری برخوردار گشته‌اند.

دوره مدرن: سیاست همسانسازی فارسها در مورد کورد و ترک آذربایجانی شکست خورد

در اوایل قرن بیستم، فارسها از راه یک ملی‌گرایی خودکامه شروع به مدرنیزه کردن ایران کردند. در دوره‌ی انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۰۹)، فارسها نخستین تلاشهای خود را برای بنیاد نهادن دولت-ملت مدرن فارس بکار گرفتند. در طی این دوره برای نخستین بار زبان فارسی، زبان رسمی در ایران گشت (Vali, 2011, p.4). اصلی‌ترین

حامیان انقلاب مشروطه شهرهای بزرگ مانند تهران، قم، تبریز و شیراز بودند. ترک ها، به ویژه در تبریز، فعالانه از انقلاب حمایت کردند درحالیکه کوردها که در نواحی پیرامونی می زیست نقش چندانی نداشتند. روشنفکران فارس خواهان یک ملی گرایی خودکامه‌ی مطلق برای همسان سازی و حذف اجباری هویت‌های غیر فارس بودند. بطور مثال، محمود افشار ویراستار روزنامه‌ی آینده، در سال ۱۹۲۵ می نویسد که حتی اگر با تبعید اجباری گروه‌های غیرفارس زبان به مناطق فارس زبان بوده، باید همه‌ی تفاوت‌های زبانی و فرهنگی گروه‌های غیرفارس زبان حذف شوند (Atabaki, 2005, p.31-32).

اولین دوره معضل امنیت اتنیکي درون دولتی: دوره سمکو

انقلاب مشروطه‌ی فارسها شکست خورد و ایران قبل و بعد از جنگ جهانی اول فاقد اقتدار مرکزی بود. در نزدیکی شهر ارومیه در استان آذربایجان غربی، اسماعیل آغا (سمکو) سرکرده کورد، حکومتی را تأسیس کرد. حکومت دفاکتوی سمکو در بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ و در چندین شهر از جمله مهاباد و ارومیه حکومت کرد (Koohi-Ka- mali, 2003, p.80-81).

مورخان فارس، مانند احمد کسروی (2007, p.684-688)، سمکو را به سطح یک رئیس عشیره‌ای محض که ساکنان استان آذربایجان غربی را غارت و کشتار کرد، تقلیل می دهند. این تاریخ نگاری تقلیل گرایانه از حکومت سمکو دو کاستی عمده دارد. زمانی که مورخان فارس حکمرانی سمکو را توصیف می کنند، آنها این دوره زمانی را به شکلی تصویر میکنند که گویا یک قدرت مرکزی مشروع در مرکز وجود داشته است و سمکو مانند یک قدرت عشیره‌ای نامشروع رفتار کرده است که اقدامات او موجب آشوب،

غارت و کشتار دسته‌جمعی شده است. در واقع، ایران فاقد هرگونه قدرت مشروعی بود و کشور، از جمله استان آذربایجان غربی، یک حالت بی نظمی کامل را تجربه می کرد. مورخ فارس هما کاتوزیان، توضیح می دهد که چگونه حاکمان ایران قبل و در طول دهه‌ی ۱۹۲۰ مشروعیت کسب کردند:

مشروعیت حاکمان مستبد به قابلیت نسبی آنها در حفظ صلح، سرکوب شورش و ایفای سایر کارکردهای اجتماعی و اقتصادی‌شان بستگی داشت. اما این ریشه در قانون، سنت و حقوق اجتماعی - اقتصادی نداشت. به همین جهت، شورش اساسا به همان اندازه‌ی قانون استبدادی مشروعیت داشت، و آزمون نهایی مشروعیت در توان کنترل و حفظ قدرت بود (Cronin, 2003, p.18).

مسئله مهم تر اینکه، در سال ۱۹۱۳، سمکو اولین مدرسه کوردی را در شهر ماکو در استان آذربایجان غربی تأسیس کرد؛ در سال بعد، مدرسه‌ی دیگری را در شهر خوی بازگشایی کرد (Soleimani, 2017, p.3). سمکو حتی دستور نشر یک روزنامه‌ی کوردی - فارسی با عنوان کورد را صادر کرد، که در آن از حق کورد بعنوان یک ملت برای تأسیس دولت کوردی دفاع می شد (Soleimani, 2017, p.4). دکتر کمال سلیمانی (2017, p.6)، محقق حوزه تاریخ، معتقد است که تأسیس مدارس و روزنامه‌ی کوردی نشان می دهد که سمکو، فارغ از خاستگاه عشیره‌ای که داشت، یک برنامه‌ی سیاسی کوردی را نیز دنبال می کرد.

سمکو تلاش کرد حمایت ترکها در استان آذربایجان غربی را با انتصاب یک ترک آذری به مقام فرماندار ارومیه به طرف خود جلب کند (Soleimani, 2017, p.6). به هر جهت، ترکها در این دوره آغوش خود را برای شیعه‌گرایی بیش از ترک بودن باز کردند و

بنابراین آنها نمی توانستند با سمکو، یک رهبر کورد سنی، در مقابل فارس شیعه به هیچ سازشی برسند. نزدیکی هویتی زیادی بین ترکها و فارسیهای شیعه در این برهه وجود داشت. مفهوم عجم همپوشانی هویت ترکی - فارسی در سالهای دهه ی ۱۹۲۰ را روشن می سازد، که عمدتاً در بین کورد و به خصوص کوردهای استان آذربایجان غربی بکار برده برده می شود. عجم به شیعه ی غیر کوردی گفته میشود و در عمل به شیعه ی فارس و ترک آذربایجانی در ایران اشاره دارد (Soleimani, 2017, p.7-8). مفهوم عجم در جریان نزاع درازمدت صفویان و عثمانیها گسترش یافت که در بدو سده ی شانزدهم آغاز گردید. این نزاع دیرینه، فارس و ترک آذربایجانی را به سوی یک اتحاد شیعی در مقابل سنیها (عثمانیها) سوق داد.

در آغاز سده ی بیستم - از انقلاب مشروطه ی ایران تا تمرکز قدرت در سال ۱۹۲۵، ایران به سبب خلا حکومت مرکزی مؤثر، شکلی از هرج و مرج را تجربه کرد و هر گروه اتنیکی ناچار به تأمین امنیت و بقای خود شده بود. در این دوره نخستین معضل امنیتی داخلی مدرن در بین کورد و ترک آذربایجانی بوجود آمد که در آن کوردها به رهبری سمکو - در جلب دوستی و ایجاد اتحاد با ترکها ناکام ماندند؛ فارس و ترکها یک هویت همسان شیعی را به اشتراک می گذاشتند، که کورد را به چشم دشمن و یک مسئله ی امنیتی می دیدند.

بعد از اینکه رضا خان سمکو را در سال ۱۹۲۲ شکست داد و ترکها مجدداً اداره استان آذربایجان غربی را در دست گرفتند، آنها هیچ گونه خواست اتنیکی را مطرح نکردند. حتی زمانی که شیخ محمد خیابانی در سال ۱۹۲۰ یک حکومت کوتاه مدت را در تبریز تأسیس کرد، ایشان حاضر نشد سیاستهای اتنیکی همچون ترویج زبان ترکی در مدارس را اجرا

کند؛ خیابانی به هیچ شکلی در نظر نداشت با سمکو اتحادی تشکیل دهد و به کوردها به چشم دشمن و یک تهدید می نگریست (Khatambakhsh, 1984).

از شکست سمکو در سال ۱۹۲۲ تا عزل رضا خان در سال ۱۹۴۱، ترکها برای احیای هویت ترک بودن خود، هیچ گونه تقاضا یا تلاشی نکردند. در نهایت حکومت فارس با طراحی یک توطئه در شهر اشنویه و در سال ۱۹۳۰ سمکو را به قتل رساند (Ner-wiy, 2012, p.80). برای اولین بار، در مدت حکمرانی سمکو، کوردها به یک تسلط نظامی و سیاسی در استان آذربایجان غربی دست یافتند. سمکو تبدیل به اولین رهبر کورد شد که نزاع کورد - ترک در استان آذربایجان غربی را سیاسی کرد و به همین جهت در نزد ترکهای این استان به منفورترین رهبر کورد تبدیل شد.

در دهه ی ۱۹۲۰، همزمان با تمرکز قدرت توسط رضا خان، او یک ملی گرایی خودکامه را در ایران پیاده کرد. ملی گرایی خودکامه ی فارسیها در دوره حکومت رضا خان رشد ملی گرایی کوردی و آذربایجانی را سرعت بخشید. رژیم دیکتاتوری رضا خان فرصت هرگونه بحثی در مورد منازعات ارضی کورد و ترک را از بین برد. هنگامی که نیروهای متحدین در سال ۱۹۴۱ به ایران حمله کردند و ارتش فارس فروپاشید، نزاع ارضی در استان آذربایجان غربی مجدداً ظهور کرد.

دومین دوره معضل امنیت اتنیکی درون دولتی: جمهوریهای آذربایجان و کوردستان

در سال ۱۹۴۱، اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا بدون هرگونه مقاومتی از جانب ارتش فارس وارد تهران شدند، رضا خان را به تبعید وادار و تحرکات ارتش فارس را به چند ناحیه

مرکزی در نزدیکی تهران محدود کردند (Nerwiy, 2012, p.98-101). خلا نظامی و سیاسی بعد از سال ۱۹۴۱ راه را برای رشد حکومت‌های خودمختار در هر دو بخش آذربایجان و کوردستان هموار کرد. در اوایل دسامبر سال ۱۹۴۵، نخست ترک‌ها جمهوری آذربایجان را تأسیس کردند و تبریز را بعنوان پایتخت انتخاب کردند؛ چند روز بعد در ۱۷ دسامبر، کوردها جمهوری کوردستان را بنیاد نهاده و مهاباد را بعنوان پایتخت برگزیدند (Nerwiy, 2012, p.134).

این دوره نشانگر یک وضعیت معضل امنیتی داخلی است زیرا حکومت مرکزی تهران در برخی نواحی کوردستان و آذربایجان ساقط گردید و این وضعیت جدید کوردها و ترک‌ها را وادار کرد تا هر کدام به فکر بقا و آینده‌ی خود باشند. هر دو جمهوری همکاری جهت مواجهه با سناریوهای آینده در ارتباط با حکومت مرکزی را سودمند و ضروری یافتند. بعلاوه، حضور اتحاد جماهیر شوروی وضعیت معضل امنیت داخلی را تسهیل نمود؛ اتحاد جماهیر شوروی خواهان برقراری درجه‌ای از امنیت بود و بدین سبب از رخ دادن هرگونه جنگی بین کورد و ترک ممانعت به عمل آورد.

دو جمهوری به لحاظ وسعت جغرافیایی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، تمایلات ایدئولوژیک و میزان حمایت اتحاد جماهیر شوروی از آنها، تفاوت عمده‌ای داشتند. جمهوری آذربایجان ۱۹۴۶ در مقایسه با جمهوری کوردستان ۱۹۴۶ جغرافیای گسترده‌تری را تحت کنترل داشت؛ شهر تبریز، پایتخت جمهوری آذربایجان، به لحاظ جمعیت دومین شهر بزرگ ایران در آن زمان بود (Mobley, 1979, p.12). جمهوری آذربایجان شامل تبریز، اردبیل، زنجان و تقریباً همه‌ی شهرهای مورد نزاع در استان آذربایجان غربی می‌شد؛ در مقابل جمهوری

کوردستان تنها بر چهار شهر کوچک مهاباد، بوکان، نقده و اشنویه حکم می‌راند (Roosevelt, 1947, p.257-258). جمهوری آذربایجان، یک مرکز مهم اقتصادی ایران در آن زمان بود، که حدود ۲۵٪ گندم، ۲۰٪ شکر و ۲۲٪ دام کشور را تولید می‌کرد (Roosevelt, 1947, p.252).

به لحاظ ایدئولوژیک، جمهوری کوردستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان برنامه‌ی محافظه‌کارانه‌تر را دنبال کرد. جمهوری کوردستان به قدرت نظامی رؤسای عشایر کورد متکی بود و به همین جهت این جمهوری نمی‌خواست رؤسای عشایر را با اجرای سیاست‌های کمونیستی، مانند تقسیم اراضی، از خود برنجانند. در حالی که ارتش اتحاد جماهیر شوروی منطقه‌ی جمهوری آذربایجان را در سال ۱۹۴۱ کنترل کرد، منطقه‌ی جمهوری کوردستان منطقه‌ی حائل میان نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا بود. همچنین جمهوری آذربایجان برخلاف جمهوری کوردستان، از یک سطح شهرنشینی بالاتری و حمایت مستقیم نظامی و حضور ارتش شوروی سود می‌جست. بنابراین، جمهوری آذربایجان از یک قدرت داخلی مستحکم برخوردار بود و اصلاحات ارضی گسترده‌ای را اجرا کرد.

درمیان شهرهای مورد نزاع استان آذربایجان غربی، جمهوری کوردستان تنها شهر نقده را در دست داشت درحالیکه جمهوری آذربایجان سایر شهرهای مورد نزاع را تحت کنترل داشت. این امر به منشأ اصلی نزاع بین دو جمهوری تبدیل شد. رؤسای عشایر کورد در استان آذربایجان غربی از قازی محمد، رئیس جمهور کوردستان، می‌خواستند که همه‌ی شهرهای مورد نزاع را کنترل کند. جمهوری کوچک کوردستان نفوذ دیپلماتیک کمتری در مقابل حکومت فارس در تهران داشت و لذا قازی محمد برای

جبران این کاستی می خواست با جمهوری آذربایجان اتحادی تشکیل دهد (Hawrami, 2007, p. ۵۱).

قدرت نظامی برتر عشایر کورد در اطراف شهرهای ارومیه، خوی، ماکو و میاندوآب تسلط اداری جمهوری آذربایجان را تضعیف کرد. در عمل، جمهوری آذربایجان بدون اتکا به اتحاد جماهیر شوروی نمی توانست تسلط اداری خود بر شهرهای مورد نزاع استان آذربایجان غربی را حفظ کند. اتحاد جماهیر شوروی کوردها و ترکها را به مصالحه بر سر نزاعهایشان تشویق می کرد و حتی پیشنهاد یک حکومت اداری مشترک در شهرهای مورد نزاع را مطرح کرد؛ جمهوری آذربایجان این پیشنهاد را رد کرد و دو جمهوری تاکتیکیهای متفاوتی را برای اعمال فشار بر همدیگر بکار بستند (MOBLEY, 1979, P.74-76).

کوردها از اینکه اداره آذربایجان در شهرهای ارومیه، ماکو، خوی و میاندوآب به طور کامل آنها را به حاشیه رانده بود گله مند بودند و در عین حال، ترکها از اینکه حزب دمکرات کوردستان ایران، تنها حزب جمهوری کوردستان، ترکهایی را که مخالف جمهوری آذربایجان بودند به خدمت گرفته بود ناراضی بودند (HAWRAMI, 2007, P.56-66). چنین سیاستهای تلافی جویانه ای در بین دو جمهوری ادامه داشت تا اینکه نهایتاً در ۲۳ آوریل سال ۱۹۴۶، جمهوریهای آذربایجان و کوردستان با میانجی گری اتحاد جماهیر شوروی به یک توافق تاریخی دست یافتند (ROOSEVELT, 1947, P.258-259) که مفاد زیر را دربرمیگرفت:

۱ حکومتهای امضا کننده هرگاه لازم بدانند نمایندگانی را مبادله می کنند.

۲ در مناطقی از آذربایجان که اقلیتهای کورد وجود دارند، کوردها در بخشهای حکومتی بکار گرفته می شوند و در آن بخشهایی از

کوردستان که اقلیتهای ترک وجود دارند، ترکها در بخشهای حکومتی به کار گرفته می شوند.

۳ یک کمیسیون مشترک اقتصادی تشکیل خواهد شد تا مسائل اقتصادی دو ملت امضاکننده را حل و فصل کند. اعضای این کمیسیون توسط سران دو حکومت ملی انتخاب می گردند.

۴ نیروهای نظامی دو ملت امضاکننده هرگاه لازم باشد به یاری همدیگر خواهند آمد.

۵ هر مذاکره ای با حکومت تهران در جهت منافع مشترک حکومتهای ملی آذربایجان و کوردستان انجام می گیرد.

۶ حکومت ملی آذربایجان اقدامات لازم را جهت ترویج و استفاده از زبان کوردی و توسعه فرهنگ کوردی در میان کوردهای ساکن آذربایجان انجام می دهد و حکومت ملی کوردستان اقدامات مشابه را در مورد آذربایجانیهایی که در کوردستان زندگی می کنند در پیش خواهد گرفت.

بندهای ۲، ۶ و ۷ تأیید می کنند که هر دو گروه در شهرهای مورد نزاع باید از حقوق زبانی برخوردار بوده و در پستیهای بوروکراتیک (اداری) مشارکت داشته باشند. به بیان دیگر، موافقتنامه هر دو گروه ترک و کورد را به عنوان مالکان برحق در استان به رسمیت شناخت. بعلاوه، اتحاد مذکور دو جمهوری را در موقعیت نظامی و دیپلماتیک بهتری در صورت مذاکره یا جنگ با تهران قرار داد.

توافقنامه مذکور تغییری بزرگ در دیدگاه و تعامل پیشین کوردها و ترکها در قبال یکدیگر بود. در دهه ی ۱۹۲۰، ترکها خود را شیعه می پنداشتند و هیچ امکانی برای همکاری با کوردها را تصور نمی کردند. رهبران جدید، جعفر پیشه‌واری و قازی محمد، در راستای منافع دوجانبه‌ی دو گروه اتحادی را تشکیل دادند. در این دوره، ترکها

نظر گرفتن چنین حقوقی برای کوردها به توافقی با جمهوری آذربایجان رسید. این سیاست حکومت مرکزی فارس نه تنها اتحاد بین دو جمهوری را منسوخ ساخت بلکه نزاعهای ارضی آنها را به سوی مواجهه‌ی نظامی سوق داد. در این حین، که ارتش شوروی عقب نشسته و ارتش فارس در تدارک حمله به جمهوری آذربایجان بود، در عمل هیچ گونه همکاری در بین دو جمهوری باقی نمانده بود. ارتش فارس ابتدا به جمهوری آذربایجان خاتمه داد و سپس مجدداً جمهوری کوردستان را کنترل کرد. اگرچه جمهوری آذربایجان با تهران به توافق رسیده بود، حکومت مرکزی به محض اشغال مجدد تبریز توسط ارتش فارس، هیچ گونه حقوق اتنیکیی را برای ترکها به رسمیت نشناخت. به بیان دیگر، حکومت مرکزی از مذاکرات به منظور تفرقه افکنی و کنترل مجدد بر کورد و ترکها بهره جست. اگرچه وضعیت معضل امنیت داخلی در دهه‌ی ۱۹۴۰ به تشکیل دولتهای کورد و آذری نینجامید، دو گروه اتحاد و دوستی کوتاه مدتی را تجربه کردند و نشان دادند که نزاع ارضی در آذربایجان غربی قابل گفتگو و حل است. اراده‌ی سیاسی بر مبنای احترام و منافع دوجانبه، دو گروه اتنیکیی را مجاب ساخت تا علیرغم گذشته‌ای از خصومت‌ها، دنبال اتحاد و دوستی برونند. تغییر رویه در این دوره مؤید رویکرد ساختارگرایانه است که معتقد است هویت و نزاع اتنیکیی به ارث نمیرسد بلکه در یک محیط اجتماعی رشد و تغییر می کند.

سومین دوره معضل امنیت اتنیکیی درون دولتی: انقلاب ۱۹۷۹ ایران
از آنجا که بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران، به مدت چندین ماه حکومت مرکزی بر بیشتر مناطق کوردستان و آذربایجان کنترل

از هویت شیعی ایرانی دهه‌ی ۱۹۲۰ که فارس را دوست و کورد را دشمن تعریف کرده بود، گذر کردند. این دوره، در تأیید دیدگاه ساختارگرایانه، نشان می دهد که هویت اتنیکیی می تواند در طی زمان تغییر کند و گروههای اتنیکیی به رغم گذشته‌ای از دشمنیها باز می توانند مصالحه کنند.

هنگامی که جمهوری آذربایجان به طور جداگانه با تهران به توافق رسید و کوردها به لحاظ دیپلماتیک خود را منزوی و ضعیف قلمداد کردند، جمهوری کوردستان به عشایر کورد اجازه داد (و آنها را ترغیب کرد) تا جمهوری آذربایجان را تحت فشار قرار دهند. حکومت مرکزی در تهران بر مذاکره‌ی جداگانه با هر یک از دو جمهوری تأکید داشت. توافق تهران - تبریز دولت بالفعل ترک آذربایجان را به یک حکومت استانی در یک منطقه‌ی محدودتر و با حقوق کمتر تقلیل داد. بعلاوه، توافق تهران - تبریز، قازی محمد را ناچار ساخت که جداگانه با تهران مذاکره کند و او نتوانست به هیچ توافقی با تهران دست یابد. در نتیجه، کوردها به شهرهای خوی و ماکو حمله نظامی کردند و خواستار مدیریت و حکومت مشترک کورد - ترک در این شهرها شدند؛ کوردها تنها هنگامی از این شهرها عقب نشینی کردند که اتحاد جماهیر شوروی آنها را تهدید به مداخله نظامی کرد (MOBLEY, 1979, P.84-85). در اقدامی مشابه، در سپتامبر سال ۱۹۴۶، ارتش جمهوری کوردستان و نیروهای عشیره‌ی شکاک به سمت ارومیه رفتند و این شهر را کنترل کردند؛ نیروهای کورد تنها زمانی بیرون رفتند که شوروی تهدید کرده و ترکهای وعده‌ی اداره مشترک کورد - ترک را به آنها دادند (MOBLEY, 1979, P.88-89).

حکومت فارس نخست با وعده‌ی تأمین برخی حقوق جزئی برای ترکها و بدون در

نداشت، انقلاب یک وضعیت معضل امنیت داخلی دیگری را بین کوردها و ترکها به وجود آورد. بعد از انقلاب، ترکها فاقد سازماندهی وسیع سیاسی و نظامی جهت مطالبه‌ی خودمختاری و یا هر شکل دیگری از حق تعیین سرنوشت بودند. در سوی دیگر احزاب سیاسی مسلح کورد یک جغرافی وسیع را اداره می کردند و در عمل یک منطقه‌ی خودمختار را تشکیل داده بودند. کوردها نه تنها شهرهای جمهوری کوردستان سال ۱۹۴۶ بلکه این بار استان کوردستان و همچنین چند شهر در استان کرمانشاه را کنترل کردند.

حزب دمکرات کوردستان ایران پنج شهر استان آذربایجان غربی که عمدتاً کورد بودند را به طور کامل کنترل کرد که عبارت بودند از مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، و اشنویه. در نخستین گردهمایی حزبی که حزب دمکرات در مهاباد برگزار کرد، حدود ۱۰۰.۰۰۰ کورد جمع شدند و در آن عبدالرحمن قاسملو، رهبر این حزب، در سخنرانش گفت، «حزب دمکرات کوردستان، مؤسس جمهوری کوردستان، نخستین دولت کوردی در تاریخ مدرن کوردستان است (BEHRUZ, YOUTUBE, 2016). در ناسیونالیسم کوردها از جمهوری کوردستان سال ۱۹۴۶ تا انقلاب ۱۹۷۹ یک استمرار و تداومی وجود دارد. بعد از انقلاب، کوردها به لحاظ سیاسی و نظامی بیشترین سطح سازماندهی را در ایران داشتند. در نخستین انتخابات آزاد مجلس خبرگان بعد از انقلاب برای نوشتن قانون اساسی جدید برای ایران، قاسملو انتخابات را در استان آذربایجان غربی برد؛ اما او به عنوان تنها نماینده‌ی لائیک آن مجلس، به دلیل اینکه خمینی او را به مرگ تهدید کرده بود، هرگز به تهران نرفت (RAHMANI, 2018).

در این دوره عوامل گوناگونی باعث شدند

ترکها در کنار فارسها و در مقابل کورد بسیج شوند. خمینی بعنوان کارزماتیکترین رهبر انقلاب ایران بر اسلام تأکید می کرد، که در واقع منظورش تشیع بود. به همین جهت ترکها توانستند نقطه‌ی مشترکی با فارسها پیدا کنند. خمینی پیش از تحکیم رژیم خود، حمایت گروههای اثنیکی و ایدئولوژیک متفاوتی را با شعارهای پوپولیستی، مانند برق رایگان و تقسیم عادلانه‌ی درآمد نفت ایران در بین همه‌ی ایرانیان، جلب کرد (EN-TEKHABIFARD, 2014). هنگامی که ترکها تحت رهبری آیت الله شریعتمداری به حکومت مرکزی اعتراض کردند، خمینی آنها را تهدید به سرکوب نظامی مشابهی همانند سرکوب کوردستان کرد (SHARIATMA-DARI, 2019). بنابراین، خمینی با فریب و تهدید، ترکها را سرکوب کرد. به لحاظ سیاسی، ترکها اگر خواست خودمختاری کوردها را به چشم تهدید نمی دیدند، در بهترین حالت آن را بی ارتباط با سرنوشت گروهی خویش می دانستند. همچنین برتری نظامی کوردها سبب شد ترکها در استان آذربایجان غربی از فارسها درخواست کمک کنند.

جنگ داخلی در شهر مورد نزاع نقده آغاز سازماندهی نظامی ترکها در مقابل کوردها بود. این جنگ داخلی هنگامی شروع شد که حزب دمکرات کوردستان ایران در ۲۰ آوریل سال ۱۹۷۹ یک گردهمایی را در شهر نقده برگزار کرد (WRYA, 2012). نقده از جمعیت مختلط کورد و ترک تشکیل شده است و در آن دو گروه در همسایگی و جدا از هم زیسته‌اند. حتی تا به امروز، مناطق سکونی کورد و ترک در نقده از هم جدا و قابل تفکیک هستند. حزب دمکرات یک ورزشگاه فوتبال را در یک محله عمدتاً ترک نشین نقده برای گردهمایی خود برگزیده بود و بیشتر مشارکت کنندگان مسلح بودند.

نیت حزب دمکرات هرچه بود، ترکها این گردهمایی را نمایش قدرت سیاسی و نظامی کورد در این شهر قلمداد کردند. همزمان با شروع سخنرانی قاسملو، افرادی شروع به شلیک گلوله به گردهمایی کردند و این به یک جنگ سه روزه بین کورد و ترک در آن شهر انجامید.

اگرچه اطلاعات موثقی از آمار تلفات در جنگ داخلی نقده در دسترس نیست اما روزنامه‌های متنوعی گزارش دادند که از هر دو اهالی کورد و ترک، صدها نفر کشته و هزاران نفر به شهرهای همسایه پناه بردند (KHOSHHALI, P.29-36). در نهایت پس از سه روز جنگ بین کورد و ترک، ارتش فارس با سلاحهای سنگین وارد شهر شد و به مدت چندین روز منع رفت و آمد عمومی را اعلام کرد (KHOSHHALI, P.7-8). حزب دمکرات آیت الله غلام رضا حسنی، شخصیت ترک شیعه شهر ارومیه، را متهم ساخت که برخی از ترکها را ترغیب کرده تا گردهمایی را به خشونت بکشند (KHOSHHALI, P.29-30). حسنی بعدها نماینده‌ی مذهبی خمینی در استان آذربایجان غربی شد و تا زمان مرگ‌اش در سال ۲۰۱۸ در این مقام باقی ماند (RUDAW, 2018). مورد نقده نشان می‌دهد که یک وضعیت معضل امنیتی، یعنی هراس ترکها از قدرت سیاسی و نظامی کوردها، خواه به دلیل فقدان ارتباطات شفاف بوده باشد یا سیاست به‌عمد از جانب تهران به جنگی انجامید که به این اختلافات هرچه بیشتر دامن زد.

از آنجا که کوردها نتوانستند با خمینی به هیچ توافقی برسند، ارتش فارس و احزاب مسلح کورد وارد یک مواجهه‌ی نظامی شدند. بعدها با شروع جنگ ایران و عراق، خمینی شیعه‌های ایران را برای جنگ در مقابل حمله صدام حسین، یک رهبر سنی عرب، بسیج کرد. هر دو جنگ بین کورد و حکومت

مرکزی و جنگ ایران - عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) فارسها را به سوی سازماندهی ترکها در استان آذربایجان غربی و سایر استانهای عمدتاً ترک نشین در حمایت از حکومت جدید شیعی فارس سوق داد.

منطقه موکریان مانند ستون فقرات جنگ نظامی حزب دمکرات بر ضد حکومت مرکزی در دهه‌ی ۱۹۸۰ عمل کرد. بر طبق انتشارات شهدای حزب دمکرات کوردستان ایران، از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷، این حزب بیش از ۴۰۰۰ پیشمرگه را از دست داده است. ۶۷٪ شهدای حزب دمکرات در این دوره، یعنی حدود ۲۷۰۰ نیروی پیشمرگه، اصالتاً از اهالی استان آذربایجان غربی بودند. جدول شماره ۱ شمار نیروهایی را نشان می‌دهد که حزب دمکرات کوردستان ایران از شهرهای مختلف در چهار استان آذربایجان غربی، کوردستان، کرمانشاه و ایلام از دست داده است. براساس این جدول، به ترتیب ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۷۸ و ۴۹ تن از شهدای حزب دمکرات در بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷ اهل شهرهای مورد نزاع سلماس، نقده، ارومیه و خوی بودند. این امار نشان می‌دهند که جمعیت کورد استان آذربایجان غربی در درگیریهای مسلحانه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ مشارکت پررنگی داشتند.

با وجود اینکه احزاب سیاسی کورد در دهه‌ی ۱۹۸۰ جنگ بر علیه حکومت مرکزی را اعلان کردند، ولی به جهت اینکه بیشتر این درگیریها در استان آذربایجان غربی رخ دادند، ترکها تلفات زیادی را متحمل شدند. برای حکومت مرکزی فارس، استفاده از اهالی بومی ترک در استان آذربایجان غربی به لحاظ تدارکاتی و اقتصادی، از آوردن سربازان فارس از استانهای مرکزی به مراتب به‌صرفه‌تر بود. همچنین از آنجا که ترکها در جنگ کوردستان متحمل تلفات زیادی شدند، نفرت شخصی عمیقی نسبت به کورد در میان خانواده‌های قربانیان ترک بوجود آمد.

جدول ۱. شهدای حزب دمکرات کوردستان ایران در بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷.

Number	City	Martyrs	Female Martyrs	Martyrs in Komala-KDP war	Excluded	Assassinated	Min	Bombard	Executed
1	Mahabad	649	1	10	54	20	6	5	68
2	Piranshahr	388	0	15	39	12	6	9	8
3	Naghadah	182	2	1	9	4	2	3	13
4	Oshnavieh	239	0	2	19	17	5	4	23
5	Urmia	178	0	0	12	8	3	3	12
6	Salmas	184	0	1	15	16	3	2	17
7	Khoy	49	0	0	4	1	-	1	26
8	Saqqez	229	3	25	25	19	3	3	38
9	Sanandaj	325	3	13	19	17	2	2	59
10	Hawshar	231	0	20	4	0	0	0	43
11	Mariwan	126	1	18	12	7	2	-	16
12	Hawraman	202	1	21	18	4	14	7	35
	(Pawe, Nodshe, Nawsood)								
13	Diwandare	95	0	7	4	2	0	0	19
14	Kamyaran	79	1	9	5	5	1	-	8
15	Kermanshah	69	0	2	2	6	7	1	10
16	Bukan	247	0	15	15	9	1	2	19
17	Sardasht (and Rabat)	266 + 131	0	21	41	15	16	17	22
18	Baneh	179	0	7	19	9	3	7	24
	Total	4048	12	187	306	179	74	65	455

یادداشت. برای به دست آوردن این آمار، نویسنده از سه جلد کتاب نالبومی شهیدان (آلبوم شهدا) استفاده کرده است، که در سال ۲۰۰۷ به زبان کوردی و توسط کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران منتشر شده است. نویسنده شهدای حزب دمکرات در قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران و آنهایی را که با حوادث طبیعی همچون بیماری و تصادفات در گذشته‌اند را به‌شمار نیاورده است.



جنگ کورد برای خودمختاری، موقعیت ترکها و به‌ویژه سرنوشت شهرهای مورد نزاع در استان آذربایجان غربی نامشخص بود. حکومت مرکزی فارس، این بار فارس شیعه، همان سیاست تفرقه‌افکنی بین دو اقلیت و تعمیق دشمنی بین آنها از طریق بسیج ترکها در مقابل انقلابیون کورد را دنبال کرد. ترکها، به‌لحاظ سیاسی و نظامی سازمان یافته نبودند و این باعث شد از فارسها برای توازن قوا با کوردها یاری بجویند. در نهایت این امر سبب شد که نزاع ارضی بین ترکها و کوردها به سرعت بعد از انقلاب ۱۹۷۹ دوباره ظهور کند.

رشد ملی‌گرایی تر کهای آذربایجان:

به لحاظ سیاسی، بکاربردن ترکها از جانب حکومت مرکزی فارس خصومت بین کورد و ترک آذری را عمیق تر کرد. بعد از انقلاب ۱۹۷۹، حکومت مرکزی به مدت چندین ماه ناتوان بود و این یک معضل امنیتی اتنیکی درون دولتی (داخلی) را در ایران بوجود آورد که در آن گروههای اتنیکی متفاوت از جمله کورد و ترک سطحی از خودگردانی و مستقل بودن را تجربه کردند. در نهایت این گروههای اتنیکی به‌ناچار باید موضع خود را در قبال سایر گروهها مشخص می کردند. با وجود اینکه کوردها سازمان یافته‌ترین اقلیت اتنیکی بودند، فاقد استراتژی و گفتمان بنیاد نهادن دوستی و اتحاد با ترکها بودند؛ به بیان دیگر، در

تنش سیاسی و فرهنگی با فارس و کورد

بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ شاهد توسعه ملیگرایی در بین ترکهای آذری هستیم و آنها حقوق فرهنگی و سیاسی بیشتری در ایران را درخواست می‌کنند. در دهه‌ی ۱۹۹۰، هردو جنگ ایران - عراق و جنگ مسلحانه کورد خاتمه یافت. در این دوره، ترکها چند حزب سیاسی را به منظور دستیابی به شکلی از حق تعیین سرنوشت در فرم فدرالیسم یا استقلال تأسیس کردند.

در خارج از مرزها، در دهه‌ی ۱۹۹۰ هر دو جمهوری تازه تأسیس آذربایجان و ترکیه، به رشد ملی‌گرایی در بین ترکها در ایران کمک کردند. به ویژه جمهوری مستقل آذربایجان، که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ استقلال یافت، به رشد ملی‌گرایی در بین ترک آذری در ایران یاری رساند. جمهوری آذربایجان کنونی در اوایل قرن نوزدهم به امپراتوری روسیه الحاق شده بود و در سال ۱۹۹۱ استقلال خود را بدست آورد. هنوز ترکها در هر دو جمهوری آذربایجان و در داخل مرزهای ایران، یک زبان مشترک دارند. بعلاوه، بعد از سال ۱۹۹۲، بسیاری از ترکهای ساکن ایران از راه ماهواره به تماشای برنامه‌های تلویزیونهای ترکی پرداختند و برای نخستین بار تصویری مثبت از هویت ترکی دیدند که در آن ترکها با فرهنگ و ثروتمند بودند (P.463, 2000, SHAFFER). وجود یک کشور ترک که از ایران توسعه یافته‌تر بود، اعتقاد ترکها در ایران به هویت ترکی آنها را بالا برد و بالادستی فرهنگی و سیاسی فارسها را از بین برد.

در داخل ایران، در دهه‌های اخیر ترکها سازمان یافته‌تر حقوق اتنیکیشان مطرح می‌کنند. جنبش بیداری ملی آذربایجان جنوبی (سانام)، که در سال ۱۹۹۵ در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، تأسیس شد،

از حقوق ترکها در ایران دفاع میکند. رهبر سانام، محمودعلی چهرگانی در سال ۱۹۹۶ در انتخابات مجلس ایران شرکت کرد و در کمپین انتخاباتیش بر حقوق زبانی و اتنیکي ترکها تاکید کرد؛ او ۶۰۰.۰۰۰ رأی کسب کرد ولی حکومت مرکزی مانع از راهیابی او به مجلس شد و او را برای مدت دو سال به زندان انداخت (KOKNAR, 2006).

رشد ملی‌گرایی در بین ترکهای ساکن ایران بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ به تنشهای سیاسی و فرهنگی با فارسها انجامید. برای نمونه، در سال ۲۰۰۶، هزاران ترک در شهرهای متفاوت عمدتاً ترک‌نشین بر علیه یک کاریکاتور که در روزنامه دولتی ایران منتشر شده بود اعتراض کردند؛ کاریکاتور نامبرده کودکی را نشان می‌دهد که با زبان فارسی با یک سوسک حرف می‌زد و سوسک نیز به زبان ترکی جواب می‌دهد و می‌گوید «منظورت چیه؟» (COLLINS, 2006). همچنین، تیم تراکتورسازی، یک تیم فوتبال ترک، به نماد ملی‌گرایی ترکها در ایران تبدیل شده است، به شکلی که دهها هزار ترک در بازیهای این تیم حضور پیدا می‌کنند (SULEIMANOV, 2011, P.26-27). در جریان بازیهای تراکتورسازی، بیشتر اوقات هزاران ترک شعارهایی همچون « تبریز، باکو، آنکارا - راه ما از فارس جداست»، «آذربایجان مال ماست، افغانستان مال شماست» و «زنده باد آذربایجان و مرگ بر آنهایی که ما را دوست ندارند» سر می‌دهند (SULEIMANOV AND KRAUS, 2017, P.81).

بعلاوه، رشد ملی‌گرایی ترکها در ایران تنش مابین کورد و ترک را نیز تشدید کرده است. این تنشهای ترک-کورد در بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ در استان آذربایجان غربی متمرکز شده‌اند. سازمان مقاومت ملی آذربایجان (ANRO)، که یک حزب سیاسی

دیگر ترکها است و در سال ۲۰۰۶ در خارج از ایران تأسیس شد، به تنشهای سیاسی در بین ترکها و کوردها دامن می زند. بیشتر اعضای این حزب اهل استان آذربایجان غربی هستند. این حزب گزارشها و کتابچههای متعددی را در خصوص خطر جنبش کورد در ایران منتشر کرده است. در سال ۲۰۱۶، این سازمان گزارشی را در مورد جنگ داخلی نقه در سال ۱۹۷۹ منتشر کرد (P.5-11) که در آن سازمان، حزب دمکرات کردستان ایران را متهم به تلاش برای پاکسازی اتنیک ترکها در نقه می کند. در همین گزارش، این سازمان نسبت به پاکسازی اتنیک ترکها در استان آذربایجان غربی توسط کوردها در آینده هشدار می دهد؛ این گزارش به رخدادهای بعد از جنگ داخلی سوریه استناد می کند و متذکر میشود بعد از خلا قدرت در سوریه، یگانهای مدافع خلق، شاخه سور پ.ک.ک، مناطقی را اشغال کرده است که عمدتاً جمعیت آن عرب و ترکمن هستند و در صورتی که آماده شوند، مورد مشابهی می تواند در مورد ترکها در استان آذربایجان غربی اتفاق بیفتد (P.13-15). همانگونه که دیوید لیک به هراس جمعی از آینده بعنوان علت رایج نزاعهای اتنیک اشاره می کند، سازمان ANRO به ترویج هراس پراکنی از جنبش کورد در میان ترکها می پردازد. اگرچه جنگ مسلحانه کورد در دهه ۱۹۸۰ شکست خورد، ملی گرایی کوردی به توسعه سیاسی و فرهنگی خود ادامه داد. رشد ملی گرایی در بین هر دو گروه کورد و ترک در استان آذربایجان غربی به رقابتهای فرقه ای (سکوتارین) بر سر تصاحب مناصب حکومتی انجامیده است. در تنش اخیر در بین کورد و ترک در آگوست سال ۲۰۱۹، محمد حضرت پور شهردار ارومیه، در یک نشست در شورای شهر به زبان ترکی سخن گفت، و هنگامی که خالد حاتمی عضو شورا

از او درخواست کرد، حاضر نشد به زبان فارسی صحبت کند (BBC PERSIAN, 2019). بسیاری از فارسها، ترک آذری و کورد به فیلم این نشست واکنش نشان دادند. امید دانا (۲۰۱۹)، پان فارس رادیکال، در واکنش به همین فیلم اشاره می کند که بکاربردن زبانهای غیر فارسی به نزاعهای قومی در ایران می انجامد. در یک مناظره در تلویزیون ایران اینترناسیونال (۲۰۱۹) در خصوص این نشست، بحث یک روزنامه نگار کورد و یک فعال ترک به ادعاهای ارضی هر کدام در مورد استان آذربایجان غربی کشیده شد. تنش بر سر حقوق زبانی در میان کورد، ترک آذری و فارس تنها از بخشی از یک جنگ بزرگتر بر سر مالکیت ارضی در چند استان عمدتاً کورد و ترک حکایت دارد.

حل نزاع ارضی- اتنیک در استان آذربایجان غربی

هر سه گروه اتنیک کورد، ترک و فارس خود را تنها مالک برحق استان آذربایجان غربی قلمداد می کنند. کدام گروه حق دارد مالکیت ارضی استان آذربایجان غربی را به دست بگیرد؟ کدام گروه اتنیک باید از حق استخراج منابع، کنترل جابجایی کالا و نیروی انسانی و تشکیل نهادهای سیاسی در استان آذربایجان غربی برخوردار گردد؟ برای پاسخ به این پرسش بنیادین، نویسندگان از نظریه سیاسی مارگارت مور در مورد مالکیت ارضی استفاده می کنند. مور (2015, P.15-30) بین دو مفهوم ملک / زمین (PROPERTY) و خاک / سرزمین (TERRITORY) تفاوت قائل می شود؛ او معتقد است که ملک / زمین به یک پیوند اقتصادی مابین یک شخص و یک قطعه زمین مربوط می شود ولی خاک / سرزمین به یک پیوستگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بین یک گروه و یک قطعه زمین اشاره دارد. مور

(2015, P.50-66) استدلال می کند که هنگامی که یک گروه برای نخستین بار و به شکل مشروع خاک / سرزمینی را اشغال کرد، یک پیوستگی اجتماعی-فرهنگی با آن سرزمین بنا کرد، یک اراده‌ی جمعی میان اعضای این گروه وجود دارد ایجاد شد و دارای تاریخی از مبارزات سیاسی هستند، این گروه مالک مشروع آن خاک / سرزمین است. به بیان دیگر، مور معتقد است که گروه‌های فرهنگی که فاقد گذشته‌ای از سازماندهی سیاسی هستند و یک جغرافیای پیوسته را اشغال نمی کنند، صرفاً باید دارای حقوق فرهنگی و حق سکونت باشند و نه اینکه از تمامی حقوق سرزمینی برخوردار شوند. یک گروه در صورتی می تواند ادعای مالکیت بر یک سرزمین را داشته باشد که یک رابطه‌ی اجتماعی-فرهنگی و سیاسی مداوم را با آن سرزمین بنا کرده باشد.

با استناد به تئوری سرزمینی مور، فارسها در استانهای ایران که جمعیت عمدتاً کورد یا ترک دارند نبایستی از حقوق سرزمینی برخوردار گردند زیرا آنها فاقد یک رابطه اجتماعی-فرهنگی بوده و صرفاً یک رابطه‌ی نظامی-اقتصادی با آن استانها برقرار کرده‌اند. فارسها در مناطق عمدتاً کورد و ترک ایران، تنها یک اقلیت کوچک از کل جمعیت را تشکیل میدهند که به دلایل اقتصادی و عمدتاً بعنوان کارمندان نظامی یا مدنی حکومت مرکزی به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. لازم به ذکر است، بیشتر فارسهایی که در استانهای غیر فارس مانند استان آذربایجان غربی زندگی می کنند، اصالتاً اهل آن استانها نیستند و در آنجا متولد و بزرگ نشده‌اند، پیوستگی فرهنگی با این سرزمین ندارند و تنها برای منافع اقتصادی به این استانها مهاجرت کرده‌اند. بطور مشابه، در دهه‌های اخیر، کوردها و ترکهای بسیاری برای موقعیتهای شغلی و شرایط زندگی

بهرتر به تهران مهاجرت کرده‌اند و آنها فاقد پیوستگی اجتماعی-فرهنگی با سرزمین تهران هستند و متعاقباً هیچ گونه ادعای ارضی در خصوص تهران ندارند. سکونت کورد و ترک در استان آذربایجان غربی به سده‌های پیشین بر می گردد و این دو گروه اتنیکی روابط اجتماعی-فرهنگی عمیقی را با این سرزمین بوجود آورده‌اند.

تاریخ سیاسی معاصر از سده‌ی بیستم تا به امروز شاهد این است که هر دو هویت کوردی و ترکی به مرور زمان تغییر یافته‌اند و رهبران و جنبشهای سیاسی در شکل دادن به نزاعهای ارضی این دو گروه در استان آذربایجان غربی نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. در طی دهه‌ی ۱۹۲۰ و پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، رهبران کورد و ترک نتوانستند در راستای منافع دوجانبه و در مقابل تهدید مشترک حکومت مرکزی فارس همکاری نمایند. اما دو گروه در سال ۱۹۴۶ تحت رهبری جعفر پیشه‌وری و قازی محمد با به رسمیت شناختن حقوق ارضی یکدیگر و ایجاد مدیریت مشترک در استان آذربایجان غربی، اتحادی را برای مقابله با تهدید مشترک حکومت مرکزی فارس تشکیل دادند. به بیان دیگر، نزاع ارضی کورد و ترک در استان آذربایجان غربی حاصل نفرت عمیق تاریخی در بین این دو گروه نیست بلکه پیامد رفتار فعالان سیاسی کورد و ترک و تفرقه افکنی حکومت مرکزی فارس در دوران مدرن بوده است.

نمایندگان احزاب سیاسی کورد و ترک، پیش از پیدایش یک معضل امنیتی اتنیکی دیگر، می توانند در اروپا یا ایالات متحده آمریکا با هم گفتگو کنند و سطح اعتمادسازی میان یکدیگر را بهبود بخشند. هر دو گروه در خصوص چندین استان در ایران ادعاهای ارضی دارند و بنابراین حل نزاع ارضی در استان آذربایجان غربی می

تواند به شکل قابل توجهی آنها را در مقابل حکومت فارس کنونی تقویت کرده و در فردای پس از فروپاشی حکومت فعلی، آنها را در موقعیت بسیار بهتری قرار دهد. دو گروه برای حل نزاع ارضی بایستی اقدامات زیر را انجام دهند:

۱ به رسمیت شناختن هر دو گروه اتنیکی کورد و ترک آذربایجانی بعنوان مالکان برحق استان آذربایجان غربی. این قدم نخستین و اصلیت‌ترین گام برای حل نزاع ارضی است. هنگامی که احزاب سیاسی ترک و کورد، استان آذربایجان غربی را صرفاً کوردستانی یا آذربایجانی می‌نامند، آنها از این اصل کلیدی، حق مالکیت مشترک دو گروه، تخطی می‌کنند.

۲ دو گروه اتنیکی در صورت فروپاشی حکومت مرکزی فارس کنونی می‌توانند بر سر مدیریت مشترک شهرهای مورد نزاع در استان آذربایجان غربی به توافقاتی برسند.

۳ دو گروه می‌توانند از یک طرف سوم که هیچ نقش و منفعتی در این نزاع ندارد، برای ایجاد حسن نیت و ارائه‌ی مکانیسم‌هایی برای حل نزاع درخواست کمک کنند.

*. کارشناسی ارشد مطالعات جهانی، دانشگاه ایالتی میسوری
استاد راهنما: د. دیوید رومانو

REFERENCES

- AZERBAIJAN NATIONAL RESISTANCE ORGANIZATION (ANRO). (2014). A BRIEF INTRODUCTION. ARAZ NEWS, [HTTPS://WEB.ARCHIVE.ORG/WEB/20170904205337/HTTP://ARAZNEWS.ORG/EN/ARCHIVES/975](https://web.archive.org/web/20170904205337/http://araznews.org/en/archives/975)
- AZERBAIJAN NATIONAL RESISTANCE ORGANIZATION (ARNO) توپراق، بازخوانی حوادث FILE:///C:/USERS/AHMED%20HAMZA/ONEDRIVE/DESKTOP/KURDS-TURKS%20RELATION%20IN%20IRAN/PDF. بازخوانی 20% حوادث 20% جنگ 20% سولدوز
- ATABAKI T. (2005). ETHNIC DIVERSITY AND TERRITORIAL INTEGRITY OF IRAN: DOMESTIC HARMONY AND REGIONAL CHALLENGES. INTERNATIONAL SOCIETY OF IRANIAN STUDIES 38 (1), 23-44.

- BBC PERSIAN. (2019). اختلاف شهردار و عضو کرد شورای شهر ارومیه [HTTPS://WWW.BBC.COM/PERSIAN/IRAN-49325227](https://www.bbc.com/persian/iran-49325227).
- BROWN, M. (1997). NATIONALISM AND ETHNIC CONFLICT. LONDON: THE MIT PRESS.
- BEHRUZ, S. (2016). به‌شیک له وتاری شهید دقاسملوو. له میتینگنک تاشکرابوونی خه‌باتی حزبی دیموکرات له مه‌هاباد YOUTUBE, [HTTPS://WWW.YOUTUBE.COM/WATCH?V=WYTBDIZ1GFQ](https://www.youtube.com/watch?v=WYTBDIZ1GFQ).
- CONGRESSIONAL RESEARCH SERVICE. (2008). IRAN: ETHNIC AND RELIGIOUS MINORITIES. [HTTPS://DIGITAL.LIBRARY.UNT.EDU/ARK:/67531/METADC795725/M11/HIGH_RES_D/RL34021_2008NOV25.PDF](https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc795725/M11/HIGH_RES_D/RL34021_2008NOV25.PDF).
- CRONIN, S. (2003). THE MAKING OF MODERN IRAN: STATE AND SOCIETY UNDER RIZA SHAH, 1921-1941. ROUTLEDGE.
- COLLINS, M. (2006). IRAN AZERIS PROTEST OVER CARTOON. BBC NEWS, [HTTP://NEWS.BBC.CO.UK/2/HI/MIDDLE_EAST/5024550.STM](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/5024550.stm).
- ENTEKHABIFARD, C. (2014). THE AYATOLLAH'S UNKEPT PROMISES. ALJAZEERA, [HTTPS://WWW.ALJAZEERA.COM/INDEPTH/OPINION/2014/02/AYATOLLAH-UNKEPT-PROMISES-20142375945717752.HTML](https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2014/02/ayatollah-unkept-promises-20142375945717752.html).
- GELLNER, E. (1983). NATIONS AND NATIONALISM. CORNELL UNIVERSITY PRESS.
- HAWRAMI, A. (2007). رووداوه‌کانی رۆژه‌لانی. کوردستان له به‌لگه‌نامه‌ی سۆفیتیدا SULAIMANI: ZHIN CENTER.
- HECHTER M. (1999). INTERNAL COLONIALISM: THE CELTIC FRINGE IN BRITISH NATIONAL DEVELOPMENT. TRANSACTION PUBLISHERS.
- IRANINTERNATIONL. (2019). بررسی جنجال در شورای شهر ارومیه بر سر استفاده از زبان مادری در جلسات رسمی [HTTPS://WWW.YOUTUBE.COM/WATCH?V=ZM1CYTR501C](https://www.youtube.com/watch?v=ZM1CYTR501C).
- ISAJIW, W. W. (1992). DEFINITION AND DIMENSIONS OF ETHNICITY: A THEORETICAL FRAMEWORK. PUBLISHED IN CHALLENGES OF MEASURING AN ETHNIC WORLD: SCIENCE, POLITICS AND REALITY: PROCEEDINGS OF THE JOINT CANADA-UNITED STATES CONFERENCE ON THE MEASUREMENT OF ETHNICITY.
- KASRAVI, A. (2007). تاریخ هجده ساله آذربایجان. TEHRAN.
- KHATAMBAKSH, T. M. (1984). THE ROLE OF SHAYKH MUHAMMAD KHIYABANI AND THE DEMOCRATIC MOVEMENT OF AZERBAIJAN IN THE SOCIO-POLITICAL HISTORY OF IRAN 1910-1920. THE UNIVERSITY OF EDINBURGH.

- DEMOCRACIES, [HTTPS://WWW.FDD.ORG/ANALYSIS/2021/04/28/IRAN-IS-MORE-THAN-PERSIA/](https://www.fdd.org/analysis/2021/04/28/iran-is-more-than-persia/).
- SHAFFER B. (2000). THE FORMATION OF AZERBAIJANI COLLECTIVE IDENTITY IN IRAN. NATIONALITIES PAPERS, 28 (3).
- SHARIHATMADARI, H. (2019). خواسته شاه از . شریعتمداری چه بود؟ RADIO FARDA, [HTTPS://WWW.RADIOFARDA.COM/A/FORTY-YEARS-FORTY-INTERVIEWS-HASSAN-SHARIATMADARI-INTERVIEW/29764152.HTML](https://www.radiofarda.com/a/forty-years-forty-interviews-hassan-shariatmadari-interview/29764152.html).
- SOLEIMANI, K. (2017). THE KURDISH IMAGE IN STATIST HISTORIOGRAPHY: THE CASE OF SIMKO. MIDDLE EAST STUDIES 53 (6), 1-17.
- SOULEIMANOV, E. (2011). THE EVOLUTION OF AZERBAIJANI IDENTITY AND THE PROSPECT OF SECESSIONISM IN IRANIAN AZERBAIJAN. CONNECTIONS 11 (1), 77-84.
- SOULEIMANOV, E. AND KRAUS J. (2017). IRAN'S AZERBAIJAN QUESTION IN EVOLUTION. CENTRAL ASIA-CAUCASUS INSTITUTE SILK ROAD STUDIES PROGRAM.
- STATISTICAL CENTER OF IRAN. (2016). SELECTED RESULTS OF THE 2016 NATIONAL POPULATION AND HOUSING CENSUS. [HTTPS://WWW.AMAR.ORG.IR/PORTALS/1/CENSUS/2016/IRAN_CENSUS_2016_SELECTED_RESULTS.PDF](https://www.amar.org.ir/portals/1/census/2016/iran_census_2016_selected_results.pdf).
- STATISTICAL CENTER OF IRAN. (2016). IRAN: WEST AZERBAIJAN. CITYPOPULATION, [HTTPS://WWW.CITYPOPULATION.DE/EN/IRAN/AZARBAYJANEGHARBI/](https://www.citypopulation.de/en/iran/azarbajanegharbi/).
- TANG, S. (2015). THE ONSET OF ETHNIC WAR: A GENERAL THEORY. SOCIOLOGICAL THEORY, 33 (3), 256-279.
- UNITED NATIONS. (1999). HUMAN DEVELOPMENT REPORT OF THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN. FILE:///C:/USERS/AHMED%20HAMZA/ONEDRIVE/DESKTOP/KURDS-TURKS%20RELATION%20IN%20IRAN/IRAN_1999_HUMAN%20DEVELOPMENT%20INDEX.PDF.
- UNREPRESENTED NATIONS AND PEOPLES ORGANIZATION (UNPO). (2018). IRANIAN KURDISTAN. [HTTPS://UNPO.ORG/MEMBERS/7882](https://unpo.org/members/7882).
- VALI, A. (2011). KURDS AND THE STATE IN IRAN. I.B.TAURIS & CO LTD.
- WILLIAMS, P. AND GOLDSTEIN, M.D., AND SHAFRITZ M. J. (2006). CLASSIC READINGS AND CONTEMPORARY DEBATES IN INTERNATIONAL RELATIONS. UNIVERSITY OF PITTSBURG.
- WRYA, Q. (2012). لزوم دیالوگ میان کردها و ترک ها . [HTTPS://IRANGLOBAL.INFO/NODE/5074](https://iranglobal.info/node/5074).
- ✳. این مقاله الزاماً تاییدکننده دیدگاه شورای نویسندگان نیست.
- KOOHI-KAMALI, F. (2003). THE POLITICAL DEVELOPMENT OF THE KURDS IN IRAN. NEW YORK: PALGRAVE MACMILAN.
- KHOSHALLI, B. مجموعه مقالات . FILE:///C:/USERS/AHMED%20HAMZA/ONEDRIVE/DESKTOP/KURDS-TURKS%20RELATION%20IN%20IRAN/مقالات-سیبزاد.PDF.
- KOKNAR, M. A. (2006). IRANIAN AZERIS, A GIANT MINORITY. THE WASHINGTON INSTITUTE, [HTTPS://WWW.WASHINGTON-INSTITUTE.ORG/POLICY-ANALYSIS/VIEW/IRANIAN-AZERIS-A-GIANT-MINORITY](https://www.washington-institute.org/policy-analysis/view/iranian-azeris-a-giant-minority).
- MCDOWALL, D. (2007). A MODERN HISTORY OF THE KURDS. NEW YORK: I.B.TAURIS & CO LTD.
- MOORE, M. (2015). A POLITICAL THEORY OF TERRITORY. OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- NERWIY T. (2012). THE REPUBLIC OF KURDISTAN, 1946. LEIDEN UNIVERSITY.
- OMID DANA. (2019). توهین شهردار ارومیه به نماینده کرد , YOUTUBE, [HTTPS://WWW.YOUTUBE.COM/WATCH?V=-_YEFDJ8H8](https://www.youtube.com/watch?v=-_YEFDJ8H8).
- POSEN, B. (SPRING 1993). THE SECURITY DILEMMA AND ETHNIC CONFLICT. SURVIVAL 35 (1), P. 27-47.
- RAHMANI, H. (2018). تنها لایک مجلس خبرگان , IRANINTERNATIONAL, [HTTPS://IRANINTL.COM/%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86/%DA%86%D9%87%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%BE%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%AA%D9%86%D9%87%D8%A7-%D9%84%D8%A7%D8-%A6%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3-%D8%AE%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86](https://iranintl.com/%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86/%DA%86%D9%87%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%BE%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%AA%D9%86%D9%87%D8%A7-%D9%84%D8%A7%D8-%A6%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3-%D8%AE%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86).
- ROE, P. (1999). THE INTRASTATE SECURITY DILEMMA: ETHNIC CONFLICT AS A 'TRAGEDY'? JOURNAL OF PEACE RESEARCH 36 (2), 183-202.
- ROOSEVELT, A. (1947). THE KURDISH REPUBLIC OF MAHABAD. MIDDLE EAST JOURNAL 1 (3), 247-269.
- MOBLEY, R. (1979). پیوندبیه‌کانی کوماری کوردستان [A STUDY OF RELATIONS BETWEEN THE MAHABAD REPUBLIC AND AZERBAIJAN DEMOCRATIC REPUBLIC: THE TURBULENT ALLIANCE AND ITS IMPACT UPON THE MAHABAD REPUBLIC OF 1946] (HASSAN GHAZI, TRANS). WASHINGTON D.C.
- RUDAW. (2018). URMIA IMAM KNOWN FOR PRO-REGIME STANCES PASSES AWAY. [HTTPS://WWW.RUDAW.NET/ENGLISH/MIDDLEEAST/IRAN/23052018](https://www.rudaw.net/english/middleeast/iran/23052018).
- SHAFFER B. (2021). IRAN IS MORE THAN PERSIA. FOUNDATION FOR DEFENSE OF